



ارزیابی عوامل مؤثر در اشتغالزایی بخش تعاون

وجود فرهنگ فردگرایی و روحیه ازواطلی و میل به تکاثر و تداول ثروت و نهادینه نشدن فرهنگ و ارزشهای کلیدی بخش تعاون در جامعه از بزرگترین موانع توسعه بخش تعاون در کشور می‌باشد.

محمد تقی مدرس

تقاضای نیروی کار خواهد شد. راه‌اندازی طرحهای اقتصادی، تکمیل طرحهای نیمه تمام و استفاده کامل تر از ظرفیتهای اقتصادی بخش تعاون و تکمیل حلقه‌های مفقوده تولید از دیگر راهکارهایی است که می‌توانند منجر به افزایش تولید و اشتغال شوند و به تحقق اهداف و سیاستهای اشتغالزایی در برنامه سوم و عمل معضل‌سکازی که از دغدغه‌های مهم دولت است کمک نمایند.

بر اساس ارقام و مستندات برنامه سوم توسعه، عرصه نیروی کار از حدود ۱۷ میلیون و ۹۲۶ هزار نفر در سال ۱۳۷۸ به حدود ۳۱ میلیون و ۶۰۲ هزار در سال ۱۳۸۳ افزایش خواهد یافت. به عبارت دیگر، سالانه به طور متوسط ۷۶۲ هزار و ۲۰۰ فرصت شغلی جدید ایجاد خواهد

و به عنوان یک بازاری قوی اقتصادی - اجتماعی در خدمت دولت و جامعه قرار گیرد.

با عنایت به محدودیت منابع موجود در بخش دولتی و عدم تکافوی استفاده از آنها برای تأمین منابع لازم جهت سرمایه‌گذاری، رشد تولید و ایجاد فرصتهای شغلی مناسب و بهره‌برداری اقتصادی از ظرفیتهای بالقوه و بالقوه، فراهم آوردن زمینه‌های مناسب اقتصادی - اجتماعی جهت جذب منابع مالی در بخش تعاونی ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است.

با افزایش انگیزه‌های مالی، سرمایه‌گذاری مولد از طریق جذب پس‌اندازهای داخلی و خارجی در بخش تعاون، موجودی سرمایه افزایش می‌یابد که آن نیز خود منجر به رشد GDP و در نتیجه

بخش تعاون به عنوان یکی از بخشهای سه‌گانه اقتصادی کشور در جذب سرمایه‌گذاری مولد و اشتغالزای تابع سیاستهای کلان و قوانین جاری کشور است. این بخش در صورت رفع موانع و محدودیتها در زمینه تولید و ارتقاء ضریب امنیت سرمایه‌گذاری داخلی و در صورت اجرای طرحهای حمایتی و ایجاد تسهیلات مالی و اعطای وامهای کم‌بهره با ضمانت دولت و نیز بازرگاری و تجدید نظر در قوانین و مقررات و آئین‌نامه‌های اجرایی و جذب حمایت سرمایه‌گذاران، با اعمال سیاستهای مالی و پولی هماهنگ و تنظیم قوانین تجاری و مالیاتی کارا، می‌تواند به عنوان محور توسعه اقتصادی در جلب سرمایه‌گذاری و همچنین ایجاد اشتغال مولد، نقش سازنده‌ای داشته باشد.

شد و نرخ بیکاری از ۱۶ درصد در سال ۷۸ به حدود ۱۲/۶ درصد در سال ۱۳۸۳ کاهش خواهد یافت.

اگر فرض شود که ارقام ارائه شده در لایحه و مستندات برنامه سوم به درستی محاسبه و پیش بینی شده‌اند و با به کارگیری مطلوب شاخصهای بیکاری از جمله: بهره‌وری سرمایه، بهره‌وری نیروی کار، سرمایه‌گذاری سرانه برای ایجاد هر فرصت شغلی، شاخص ICOR و ILOR و ... اهداف پیش‌بینی شده در برنامه سوم تحقق یابد، بررسی مشخصه‌های جمعیتی کشور و نرخ بیکاری فعلی و تعداد بیکاران نشان می‌دهد که تعبیر مشکل بیکاری به طوفان، گردباد، آتش زیر خاکستر و بحران، عجیب به نظر نمی‌رسد و حل معضل بیکاری و ایجاد فرصت‌های شغلی جدید، حتی به میزانی فراتر از اعداد و ارقام پیش بینی شده در برنامه سوم، باید در صورت برنامه‌های دولت قرار گیرد.

نگاهی به آمار بیکاری و متقاضیان کار

در حال حاضر تعداد بیکاران در کشور بر اساس آمار رسمی، حدود ۳/۲ میلیون نفر و بر اساس آمار غیر رسمی حدود ۴/۴ میلیون نفر برآورد شده است. از سوی دیگر، اکنون تعداد ۲۱ میلیون نفر دانش‌آموز به تحصیل اشتغال دارند که ۵/۵ میلیون نفر از آنها دانش‌آموزان مقطع دبیرستان هستند. یعنی کسانی که در پایان برنامه سوم، وارد بازار کار خواهند شد.

اگر در مورد پیش‌بینی ایجاد اشتغال در سالهای برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور تردید نداشته باشیم و بر اساس برنامه سالانه به طور متوسط بیش از ۷۶۲ هزار فرصت شغلی جدید در کشور نیز ایجاد شود و نیز اگر مشاغل ایجاد شده پایدار بماند، در پایان برنامه سوم ۳/۸ میلیون فرصت شغلی

اقتصاد کشور مانیز تابع نوسانات اقتصادی جهان است و این نوسانات نیز بر عرضه و تقاضای نیروی کار اثر می‌گذارد، بنابراین بهترین راه کاهش نرخ بیکاری ایجاد فرصت سرمایه‌گذاری و هماهنگی دیدگاه‌های سازمان‌های متولی اعتبارات کشور برای ایجاد جاذبه و ارزش افزوده مورد انتظار در بخش تولید و هدایت سرمایه‌گذاری به سمت و سوی فعالیتهای اقتصادی مولد و اشتغالزا است.

جدید ایجاد خواهد شد که معادل میانگین آمار رسمی و غیر رسمی بیکاران فعلی است. بدین ترتیب تعداد بیکاران کشور منحصراً در مقطع دبیرم و بالاتر در برنامه سوم ۵/۵ میلیون نفر خواهد بود. بنابراین دغدغه بیکاری، به عنوان یکی از مسائل و معضلات اساسی اقتصادی، اجتماعی در پایان برنامه سوم نیز مطرح خواهد بود. از این رو، برای کاهش نرخ بیکاری مسئله ساماندهی اقتصاد کشور با محوریت ایجاد اشتغال باید به طور جدی مورد پیگیری قرار گیرد.

در عین حال، اقتصاد کشور مانیز تابع نوسانات اقتصادی جهان است و این نوسانات نیز بر عرضه و تقاضای نیروی کار اثر می‌گذارد، بنابراین بهترین راه کاهش نرخ بیکاری ایجاد فرصت سرمایه‌گذاری و هماهنگی دیدگاه‌های سازمان‌های متولی اعتبارات کشور برای ایجاد جاذبه و ارزش افزوده مورد انتظار در بخش تولید و هدایت سرمایه‌گذاری به سمت و سوی فعالیتهای اقتصادی مولد و اشتغالزا است.

اکنون شرایط اقتصادی کشور به گونه‌ای است که سرمایه‌داران رغبتی به سرمایه‌گذاری در فعالیتهای مولد و اشتغالزا از خود نشان نمی‌دهند و جاذبه‌های بیشتر

فعالتهای بازرگانی و واسطه‌ای و کاذب و زود بازده موجب شده است که سرمایه‌گذاری به سوی این‌گونه فعالیتهای سوق داده شود و بخش عمده‌ای از سرمایه‌گذاران نیز به سوی سرمایه‌گذاری در خارج از کشور هدایت شود.

در برنامه‌ریزی و جلب سرمایه‌گذاری خارجی نیز ابتدا باید به موانع و مشکلات سرمایه‌گذاری داخلی در فعالیتهای اقتصادی مولد و اشتغالزا برطرف شود و تدابیر و سیاستهای جدید اصلاح‌طلبانه، به نحوی که جوابگوی افزایش کارآیی باشد، مدنظر قرار گیرد و علت تمایل سرمایه‌داران کشور به سرمایه‌گذاری در کشورهای دیگر و همچنین فرار مغزها و یا به عبارتی خروج سرمایه‌های انسانی، مورد مطالعه و بررسی قرار گیرد و سپس زمینه جلب و جذب سرمایه‌های خارج شده فراهم آید تا پاسخ منطقی و علمی به سرمایه‌گذاران خارجی داده شود که می‌پرسند «چرا سرمایه‌داران ایرانی به سرمایه‌گذاری در خارج از کشور خود تمایل دارند و در کشور خود سرمایه‌گذاری نمی‌کنند».

ضرورت ایجاد امنیت برای جلب سرمایه‌گذاری

نگاه علمی و کاربردی به ضرورت ایجاد امنیت ملی برای جذب و حمایت از سرمایه‌گذاری، به ویژه سرمایه‌گذاری خارجی، با نگرش جدید به جذب سرمایه‌ها و تخصص‌های هموطنان خارج از کشور و لزوم تجدید نظر در قوانین و مقررات مربوط به جلب سرمایه‌گذاری خارجی که حدود ۴۵ سال پیش به تصویب رسیده و با نیازهای زمان مطابقت ندارد و تسریع در تصویب و اجرای قانون پیشنهادی اخیر در مراجع قانونگذاری و جلب اعتماد سرمایه‌گذاران به طریق اعمال سیاستهای پولی و مالی هماهنگ و تنظیم قوانین جاری و

مالیاتی کارا می‌تواند به نحو مؤثری زمینه جلب و جذب سرمایه‌های خارجی را فراهم نماید.

بخش تعاونی به عنوان یکی از بخشهای سه‌گانه اقتصادی، در جذب سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی تابع سیاستها و قوانین جاری کشور است در این بخش علاوه بر مشکلات عمومی جذب سرمایه‌گذاری تنگناهای دیگری نیز مطرح است که عبارتند از: نوپا بودن بخش، نبود تعادل اقتصادی بین بخش تعاون و سایر بخشهای اقتصادی، وجود موجهای ضد تعاون، نهادینه نشدن فرهنگ و ارزشهای کلیدی اصول تعاون در جامعه، عدم برخورداری بخش از حمایتهای جدی دولت و ...

سلطه اقتصادی دولت در ساختار اقتصادی و سابقه طولانی بخش خصوصی در اقتصاد کشور، فضای چندان مناسبی را برای رشد و بالندگی بخش تعاونی باقی نگذاشته است و این مسائل در واقع مانع مشارکت بخش تعاون در فعالیتهای اقتصادی کشور است. از سوی دیگر سهم بخشهای مختلف اقتصادی کشور در اقتصاد ملی نامتعادل است و مالکیتهای دولتی، در واقع نقش غالب را دارد که نظر به ماهیت و نقش بخش تعاون در برقراری عدالت اجتماعی و تعمیم مشارکت عمومی، قلمرو سه بخش اقتصادی باید با محوریت برقراری تعادل بین این بخشها تعیین شود. ایجاد فرهنگ اعتقاد به تعاون و همکاری متقابل انسانها با یکدیگر و تقویت روحیه جمعی و تربیت انسانهایی که مختار و آزاد باشند و به حکم انسانیت خویش از حق رأی مساوی برخوردار گردند و سازمانهای دموکراتیک را بنا نهند که بدون وابستگی به مراکز قدرت بر اساس اصول انسان ساز اسلام بتوانند در سازندگی میهن اسلامی مشارکت نمایند، با آموزشهای برنامه ریزی شده و طولانی مدت، توأم با ابزارهای تشویقی و حمایتی میسر خواهد بود.

در این زمینه، نقش وزارتخانه‌ها و سازمانهای دولتی از جمله: آموزش و پرورش، فرهنگ و ارشاد اسلامی، علوم، تحقیقات و فناوری، دانشگاهها و مراکز علمی و آموزشی، صدا و سیما، جراید و روحانیت می‌تواند کارساز باشد.

به نظر می‌رسد که وجود فرهنگ فردگرایی و روحیه انزواطلبی و میل به تکاثر و تداول ثروت و نهادینه نشدن فرهنگ و ارزشهای کلیدی بخش تعاون در جامعه از بزرگترین موانع توسعه بخش تعاون در کشور باشد.

بی توجهی به جایگاه بخش تعاون

به رغم صراحت قانون اساسی و تأکید بر انکای اقتصاد کشور بر سه پایه دولتی، تعاونی و خصوصی متأسفانه برخی از صاحب نظران و کارگزاران اقتصادی و حتی مسئولان کشور، بخش تعاون را در زمره بخش خصوصی می‌پندارند و در برنامه ریزی و بودجه ریزی و تعیین سیاستها و خط مشی‌های اقتصادی، منحصراً بخشهای اقتصادی دولتی و خصوصی را مد نظر قرار می‌دهند و بخش تعاون را جزئی از بخش خصوصی تلقی می‌کنند. از این رو، این بخش در محاسبات حسابهای ملی جایگاه مشخصی ندارد، در

با عنایت به محدودیت منابع موجود در

بخش دولتی و عدم تکافوی استفاده از

آنها برای تأمین منابع لازم جهت سرمایه

گذاری، رشد تولید و ایجاد فرصتهای

شغلی مناسب و بهره برداری اقتصادی

از ظرفیتهای بالفعل و بالقوه، فراهم

آوردن زمینه‌های مناسب اقتصادی -

اجتماعی جهت جذب منابع مالی در

بخش تعاونی ضرورتی اجتناب‌ناپذیر

است.

حالی که بخش تعاون به عنوان یک بخش مستقل اقتصادی، می‌تواند به عنوان محور گسترش عدالت اجتماعی، در جلوگیری از طبقاتی شدن جامعه، کاهش تصدی دولت، ایجاد انگیزه مشارکت اقتصادی - اجتماعی در مردم و ایجاد اشتغال مولد، نقش سازنده‌ای داشته باشد.

بخش تعاون می‌تواند با بهره‌گیری از سپرده‌های کوچک مردم، به طراحی و اجرای طرحهای تولیدی اشتغالزای ارزش افزوده بالا بپردازد. ولی از آن جا که اعضای تعاونی‌ها از طبقه متوسط و ضعیف جامعه‌اند (طبقه‌ای کارآفرین که زندگی خود را با فکر و نیروی کار خوش تأمین می‌کنند و از این امتیاز برخوردارند که به خود اعتماد دارند، مسئولیت پذیرند، سخت کوشی نمایند و در کار از شهامت کافی برخوردارند)، نیاز به انواع حمایت، اعم از مالی و مدیریتی دارند و چنانچه مورد حمایت سنجیده قرار نگیرند، به طبقاتی ضعیف و حمایت طلب به معنا و مفهوم طبقه "فقرگرا" تبدیل می‌شوند و در نهایت ارزش اجتماعی خود را از دست می‌دهند.

حمایت از بخش تعاون در بسیاری از اصول قانون اساسی مورد تأکید قرار گرفته است و این قانون اعمال انواع حمایتهای دولتی ممکن از فعالیت تعاونی‌ها را سر ضروری دانسته و از جمله در بند ۲ اصل ۴۳ قانون اساسی به اعطای تسهیلات بدون بهره صرفاً به تشکلهای تعاونی اشاره کرده است ولی این حمایتهای پیش بینی شده، گویا ضمانت اجرایی ندارد و در عمل تحقق نمی‌یابد و از سوی دیگر متأسفانه با گذر زمان، نقش این حمایتها کم رنگ تر می‌شود، در حالی که خود اتکابی تعاونی‌ها بدون کمک و حمایت دولت در آینده نزدیک متصور نیست و بشرف و توسعه تعاونی‌ها به کوشش متقابل مردم و دولت نیاز دارد.

مشکلات و موانع کوناگون و بازدارنده

در حال حاضر، تسهیلات تبصره‌های تکلیفی قانون بودجه به عنوان منابع مالی حمایتی دولت و بخشی از سرمایه‌گذاری در بخش تعاون محسوب می‌شوند، ولی متأسفانه مکانیزم پرداخت این تسهیلات به گونه‌ای است که جوانان و فارغ‌التحصیلان دانشگاهی جویای کار که از مصادیق بارز بند ۲ اصل ۴۳ قانون اساسی هستند، عملاً نمی‌توانند از تسهیلات مالی تخصیصی تبصره‌های تکلیفی قانون بودجه بهره بگیرند در پی به اجمال به برخی از عوامل بازدارنده در این زمینه اشاره می‌شود:

جوانان و فارغ‌التحصیلان دانشگاهها در گامهای نخستین اجرای طرح پیشنهادی برای تأمین امکانات زیر بنایی و اخذ مجوزهای لازم با بوروکراسی مواجه می‌شوند، به طور مثال واگذاری زمین برای کارهای کشاورزی و دامداری در صورتی که مجریان طرح، زمین مناسب و بلا معارض را انتخاب کنند و کروی زمین مورد نظر را ارائه دهند، به طور متوسط حداقل پس از دو سال دستیابی و تملک آن زمین تحقق خواهد یافت که در نتیجه، بسیاری از مجریان طرحهای تعاونی به دلیل نیاز به امرار معاش از اجرای طرح منصرف می‌شوند و چنان چه افرادی با مقاومت و ایستادگی، مصر به اجرای طرح پیشنهادی باشند در فدهای بعدی از جمله تأمین سرمایه‌گذاری، ارائه وثیقه‌های مورد قبول بانکها، رسیدگی طرح در بانکها با توجه به مغایرت آئین‌نامه‌های اجرایی با دستور العملها و آئین‌نامه‌های داخلی بانکها و وجود ابهامات در آئین‌نامه‌های اجرایی، تأمین ارز مورد نیاز و ... متوقف خواهند شد و در صورت گذر از این مراحل که بسیار نادر است، در طول اجرای عملیات طرح نیز با مشکلات افزایش سرمایه‌گذاری

طرح که ناشی از افزایش قیمتها و تورم و در نهایت افزایش سهم آورده سهامداران است همچنین تبدیل قرار داد مشارکت مدنی تسهیلات دریامی به فروش افساطی قبل از بهره‌برداری از طرح و نبود مرجع مناسب برای پیشگیری رفع مشارکت و حکمیت و داوری و ... باعث رکود و توقف عملیات اجرایی طرحها خواهد شد.

مجریان طرحهای تعاونی در صورت مقابله با تمامی عوامل بازدارنده و توفیق در اجرای طرح، پس از بهره‌برداری از طرح نیز با مشکلات گوناگونی بدین شرح مواجه می‌شوند: وجود ساختار غیر عملی، ضعف مدیریت و نبود مدیران کارآفرین، عدم تفاهم ناشی از ناهمگونی فکری و فرهنگی اعضاء، نامساوی بودن توان مالی اعضاء و وجود مشکل در تأمین سرمایه‌گذاری مجدد و توسعه طرح، توزیع عمودی قدرت در عمل و اجرا در تعاونها، نقش دو جانبه اعضاء هم در مقام شریک و مدیر و هم به عنوان مستخدم شرکت، پابین بودن روحیه تعاون و مشارکت جویی، کمبود نیروی متخصص و مجرب، عقاید گوناگون اعضاء در مورد فعالیتی که باید به آن بپردازند (تخصیص دارائیهها)، کمبود نقدینگی و سرمایه در گردش، رقابت ناسالم بخش خصوصی با تعاونیها در عرضه کار و ... به این ترتیب، رکود طرحهای تعاونی رکود میلیاردها سرمایه‌گذاری و کاهش اشتغال را در پی خواهد داشت و نیمه فعال بودن یا عدم فعالیت تعاونیها با ظرفیت واقعی، علاوه بر این که عاملی بازدارنده در توسعه اقتصادی کشور است، مجریان طرحهای تولیدی را نیز در بازپرداخت تسهیلات دریافتی با مشکل مواجه خواهد کرد و نیز با رکود فعالیت تعاونیها، موجبات افزایش نرخ بیکاری و کاهش اشتغال در جامعه فراهم خواهد شد.

با توجه به این مسائل، تغییر مکانیزم پرداخت تسهیلات تبصره‌های تکلیفی متناسب با وضعیت و ماهیت مجریان طرحها در بخش تعاون، تغییر دیدگاه و طرز تلقی مؤسسات وام دهنده به توانایی‌های مدیریتی در تولید کنندگان بخش تعاون، اجرای طرحهای حمایتی و ایجاد تسهیلات مالی با کارمزد کم و ضمانت دولت، تأکید بر پایداری و دوام پروژه‌ها به جای وثیقه به هنگام بررسی توجیه اقتصادی، فنی و مالی طرحها، تلاش برای اشاعه و ترویج فرهنگ تعاون و جلب مشارکت مردم بستر مناسبی برای ورود و مشارکت اقتصادی - اجتماعی مردم جامعه به ویژه متخصصان جوان به بخش و در پی آن موجبات تأمین بخشی از سرمایه‌گذاری طرحها، تسریع در بررسی، اجراء و بهره‌برداری از طرحهای تعاونی، افزایش روحیه خلاقیت و نوآوری و توسعه روابط محبت‌آمیز بین مدیران و اعضاء، حرکت افقی قدرت به جای حرکت عمودی، سرعت در اجرای تصمیمات و حس وابستگی و تعلق که در نهایت امنیت سرمایه‌گذاری و شغلی را فراهم خواهد ساخت.

اهمیت جذب مدیران کارآفرین

متخصصان حرفه‌ای و تحصیل کرده‌های جوان با ورود به بخش تعاون می‌توانند به این بخش روح تازه‌ای از تحرک و انرژی ببخشند و مدیران کارآفرین و خطرپذیر جدید نیز این بخش را به زمینه‌های فنی‌تر و پیچیده‌تر از جمله فن‌آوری الکترونیکی، فن‌آوری اطلاعات و نرم‌افزار رایانه‌ای هدایت خواهند نمود. در واقع مدیران متهور که می‌توانند تکنیکها و ایده‌های قدیمی را به سرعت از دور خارج کنند و زمینه مناسب را برای ارتقای فن‌آوری و تطبیق فن‌آوری تعاونیها با بازارهای جدید و توسعه سرمایه‌گذاری داخلی و در نهایت مشارکت سرمایه‌گذاران

فن آوری، بهره‌وری اقتصادی و بالاخره ارتقاء سطح تولید و سرمایه‌گذاری.

- ایجاد انواع تسهیلات مالی برای اعضاء تعاونی‌ها با توجه به وضعیت و ماهیت متقاضیان فعالیت در بخش تعاونی مانند: تسهیلات بانکی با شرایط و کیفیت ویژه و کم بهره، تقسیط بلند مدت، بازپرداخت تسهیلات و تعیین زمان فعالیت به عنوان مبنای آغاز اقساط، برخورداری تعاونی‌ها از معافیت مالیاتی و اولویت در تخصیص ارز برای ماشین آلات و تقسیط بلندمدت هزینه‌های سرمایه‌گذاری مانند: اراضی و واگذاری دولتی، انشعاب آب و برق و تلفن و ...

- تجدید نظر و بازنگری قوانین و مقررات و آئین‌نامه‌های اجرایی ایجاد و تغییر اساسی در مکانیزم پرداخت تسهیلات و حذف موانع و بوروکراسی و قوانین دست و پاگیر و بازدارنده در ایجاد اشتغال.

- ارتقاء ضریب امنیتی سرمایه‌گذاری در بخش تعاون و برنامه‌ریزی در جهت سازماندهی اقتصادی سنجش و ایجاد جاذبه و ارزش افزوده مورد انتظار در فعالیتهای تولیدی به منظور جذب و هدایت سرمایه‌های داخلی و خارجی با سمت و سوی فعالیتهای مولد و اشتغالزا در بخش تعاون.

- تشکیل بانک اطلاعات اشتغال و بیکاری در بخش تعاون و جمع‌آوری و پردازش آمار و اطلاعات، بازار کار کشور و تولید و نشر آمار و اطلاعات متناسب با نیازهای تحقیقاتی بخش تعاون.

- توسعه منابع انسانی و ارتقاء توانمندیهای مدیریت تعاونی و فراهم نمودن جاذبه و بستر لازم برای ورود جوانان و فارغ التحصیلان دانشگاهی به بخش تعاون.

مأخذ آمار و ارقام: قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی



که این بخش بتواند نقش مؤثری در رشد و توسعه اقتصادی ایفا نماید.

تعیین سیاستها و خط مشی‌ها و اهداف دست یافتنی و متناسب با شرایط و امکانات بخش تعاون برای ایجاد فرصتهای شغلی جدید و ثبات و پایداری مشاغل ایجاد شده.

- شناخت و ارزیابی دقیق میزان منابع بالقوه و بالفعل و امکانات و شرایط جاری اقتصاد جهت تعیین اهداف دست یافتنی و متناسب با شرایط و امکانات و منابع اقتصادی و انسانی بخش تعاون.

- امکان سنجی سرمایه‌گذاری در طرحهای نیمه تمام، طرحهای توسعه و طرحهای تعاونی جدیدی که هم تولید آنان در کشور مورد نیاز است و هم امکان صدور تولیداتشان به خارج از کشور به ویژه کشورهای همجوار وجود دارد.

- مطالعه و برنامه‌ریزی در جهت رفع مشکلات طرحهای تعاونی راكد و متوقف و تسريع در راه اندازی این گونه طرحها، تکمیل طرحهای نیمه تمام و تکمیل حلقه‌های مفقوده تولید در بخش تعاون.

- حاکمیت دیدگاه بیرون‌گرایی بر ساختار سرمایه‌گذاری و تولید در بخش تعاون به منظور برخورداری امر سرمایه‌گذاری از پویایی لازم و بالفعل شدن تواناییهای بالقوه سرمایه‌گذاری، توسعه همکاریهای بین‌المللی، پیشرفت و رشد

خارجی را مهیا سازند.

بنابراین در بخش تعاون نیز جلب و جذب سرمایه‌گذاری و ایجاد اشتغال رابطه‌ای مستقیم با ساماندهی اقتصادی کشور و ارتقای ضریب امنیتی سرمایه‌گذاری داخلی و رفع موانع و محدودیتهای در زمینه تولید دارد و این بخش در صورت اصلاح ساختار و مهندسی مجدد و برخورداری از برنامه‌های سنجیده حمایتی دولت توانایی بالقوه بسیار خوبی برای ایجاد اشتغال و جلب سرمایه‌گذاری دارد.

پیشنهادها و راهکارهای ایجاد اشتغال و جذب سرمایه‌گذاری در بخش تعاون

- تخصیص اعتبارات تسهیلات تبصره‌های تکلیفی قانون بودجه به سبکهای تعاونی در اجرای بند ۲ اصل ۴۳ قانون اساسی به منظور اشتغال افرادی که قادر به کارند ولی وسایل و ابزار کار ندارند.

- تعیین قلمرو و حدود و ثغور بخشهای اقتصادی کشور با محوریت برقراری تعادل بین بخشهای اقتصادی دولتی، تعاونی و خصوصی جهت تحقق اهداف مندرج در اصول ۴۳ و ۴۴ قانون اساسی و فراهم نمودن شرایط و امکانات لازم برای گسترش کمی و کیفی تعاونی‌ها به نحوی